

بازرگان باعث شکل و تبلور گرفتن انقلاب شد



علی شاملو
روزنامه نگار



اصلاح شاملو محمودی، در مردادماه ۱۳۲۳ در شهر ملایر متولد شد. ایشان در سال ۱۳۴۷ در رشته ادبیات فارسی وارد دانشسرای عالی شد؛ که پس از پیروزی انقلاب، به دانشگاه تربیت معلم تغییر نام داد و اکنون با نام دانشگاه خوارزمی فعالیت می‌کند. اصلاح شاملو، از دانشسرای عالی فارغ‌التحصیل و به عنوان دبیر دبیرستان‌های شهر قم مشغول به کار شد و در آن شهر با علمایی همچون آیت اله دکتر مصطفی محقق داماد، سید محمد خاتمی، مرحوم سید هادی خسروشاهی، آیت اله گرامی، و... آشنا شد. ایشان بعد از پیروزی انقلاب، به عنوان مشاور دفتر وزارتی وزارت آموزش و پرورش دولت موقت به ریاست مرحوم مهندس بازرگان، مشغول به کار شد و از سوی وزیر وقت آموزش و پرورش در اردیبهشت ماه سال ۵۸، به همراه شهید دکتر غلامرضا دانش، جهت بازدید از مدارس ایرانی حوزه خلیج فارس و کشورهای عراق و ترکیه رهسپار شد، سپس مدتی نیز به عنوان معاون استانداری لرستان در دولت موقت در زمان مرحوم دکتر عالی، مشغول به کار بود. اصلاح شاملو در مهر ۵۹، برای ماموریتی به عنوان دبیر دبیرستان‌های ایرانی کویت، منصوب و مشغول به کار شد. مهر ماه ۶۱، پس از دعوت دکتر جواد منصوری، معاون وقت وزارت امور خارجه - به وزارت امور خارجه رفت و تا آبان ماه ۱۳۸۲، به عنوان دیپلمات در وزارت امور خارجه خدمت کرد. از سمت‌های ایشان در وزارت امور خارجه می‌توان به این موارد اشاره کرد: معاون اداره امور دانشجویی، سرپرست اداره دانشجویی، سرکنسول ایران در حیدرآباد دکن هندوستان، کنسول ایران در دبی، امارات متحده عربی، معاون اداره سجلات وزارت امور خارجه، سرکنسول ایران در ترابوزان ترکیه. او بعد از بازنشستگی از وزارت امور خارجه به کارهای علمی تحقیقاتی و همکاری با کانون زندانیان مسلمان قبل از انقلاب می‌پردازد.

چکیده‌ای از گفت‌وگوی چراغ روشن با اصلاح شاملو محمودی را در ذیل می‌خوانید.



اصلاح شاملو

-آشنایی شما با مهندس بازرگان چگونه بود؟

بعد از تبعید پهلوی اول، در شهریورماه سال ۱۳۲۰ به تدریج در ایران احزاب متعددی تشکیل شده که تعدادی از آنها بسیار مهم و مفید بودند. حزب منسجم و منظم توده، نخستین حزبی بود که افراد تحصیلکرده را جذب کرد و به تدریج سازماندهی بسیار قوی پیدا کرد. افراد وطن‌پرست و دلسوزی که اهل کتاب و تحصیل بودند، جذب این حزب شدند ولی متأسفانه بعضی از سران حزب، از شوروی دفاع می‌کردند و قابل اعتماد نبودند.

حزب دموکرات، حزب دیگری بود که در سال ۱۳۲۴ مرحوم قوام السلطنه آن را پایه‌گذاری کرد. از دیگر احزاب، حزب زحمتکش بود که مظفر بقایی، آن را تاسیس کرد. یکی از احزاب که در سال ۱۳۲۷ به وسیله زنده یاد مصدق، بسیار محکم و قوی تشکیل شد و اکثریت آنها تحصیلات دانشگاهی داشتند، جبهه ملی بود. دکتر یدالله سجایی، الله یار صالح، مرحوم بازرگان و دکتر شیبانی در این حزب حضور داشتند. تعدادی از بازاریان همانند مرحوم شمشیری به این حزب پیوستند.

برادرم مرحوم مهدی شاملو نیز از سال ۱۳۳۶ برای تحصیل از ملایر به تهران مهاجرت کرد، کلاس دهم را در دبیرستان مروی و در دارالفنون که از

دبیرستان‌های مهم آن زمان بود؛ مشغول تحصیل شد و با مرحوم بسته نگار و دکتر سید کاظم اکرمی - وزیر اسبق آموزش و پرورش - در دولت مهندس موسوی، در سال ۱۳۳۸ الی ۱۳۳۹ هم کلاس بود. از سال ۱۳۳۸ همکاری با جبهه ملی و از سال ۱۳۳۹ که جبهه ملی دوم تشکیل شد، سمپاد جبهه ملی شد. در تابستان سال ۱۳۴۰ که به ملایر آمد گفت: «که برای نخستین بار حزبی که صبغه مذهبی دارد، تشکیل شده به نام نهضت آزادی که موسسان آنها مرحومان آیت اله طالقانی، مهندس بازرگان، و دکتر سجایی هستند.» او تعدادی اعلامیه همراه خود به ملایر آورده بود. در آن زمان هنوز چهره شاه منفور نبود و تعدادی بر اثر ناآگاهی او را دوست داشتند. اگر علنی می‌خواستیم با شاه مبارزه کنیم با مخالفت بسیاری روبه‌رو می‌شدیم. مرحوم برادرم، تعدادی از اعلامیه‌ها را به دوستانش داد و تعدادی از اعلامیه‌ها را شبانه به داخل منازل پرت می‌کردیم. تیر ماه ۱۳۴۳، ساواک به منزل ما هجوم آورد که البته برادرم چند دقیقه قبل از ورود

بسیاری بر روشنفکری دینی داشت تا جوانان و مردم اسیر گروه‌های دیگر نشوند و مشکلاتی برای آنها پیش نیاید.

– بعد از ۴۲ سال که از پیروزی انقلاب و تشکیل دولت موقت می‌گذرد، عملکرد آن را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در این مصاحبه نمی‌توان به صورت مبسوط صحبت کرد؛ زیرا به یک بررسی همه جانبه نیاز دارد. امام (ره) با بازرگان در مدرسه علوی ملاقات داشتند و از او خواستند که به نخست وزیری منصوب شود. بازرگان به مزاح به امام (ره) گفت: «شمر به امام حسین (ع) یک شب مهلت فکر کردن داد.» اجازه خواست نتیجه را فردا اعلام کند. فردای آن روز اعلام موافقت کرد و بعد از چند روز وزرای خود را انتخاب کرد.

با وزرای بازرگان که از سال ۱۳۴۳ با برادرم زندانی بودند و بعد از آن جلساتی داشتند. به منزل‌های یکدیگر رفت و آمد داشتیم. آنها دو ویژگی داشتند؛ یک اینکه، بسیار متدین بودند و دیگر اینکه، در مسئولیت در وزارتخانه، بسیار متخصص و اهل شعار و تندروی نبودند. یکی از این اشخاص، مرحوم مهندس علی اکبر معین‌فر، از کارشناسان متخصص سازمان برنامه- بود که کتاب‌هایی همچون زلزله نوشت. او اولین رئیس سازمان برنامه و بودجه در دولت موقت شد و به دلیل تجربه در آن سازمان، عملکرد موفقی داشت.

از دیگر وزرا، مرحوم یداله سبحانی بود که به پاکدامنی و تحصیلات عالی‌ه شناخته می‌شد. حجت الاسلام محمد جواد حجتی کرمانی در یادواره او نوشت: «من که طلبه بودم، شب‌ها نماز شب نمی‌خواندم اما دکتر سبحانی، آهسته و آرام در زندان نماز شب می‌خواند.» وزیر آموزش پرورش کابینه بازرگان، مرحوم دکتر غلامحسین شکوهی بود که دکترای تعلیم و تربیت داشت و کنار او افراد موثقی که تدریس می‌کردند و به وضعیت وزارتخانه اشراف داشتند، انتخاب شدند. شهید رجایی به عنوان مشاور وزیر و مرحوم دکتر اسدی لاری، به عنوان مدیر کل دفتر وزارتی مشغول به کار شدند.

مرحوم علی اردلان از دیگر وزاری بود که بسیار متخصص و کارشناس وزارت دارایی بود که به عنوان وزیر اقتصاد و دارایی معرفی شد و بسیار شریف و بزرگواری بود. وزیر بهداشت شهید کاظم سامی، مردی بزرگواری و شریف بود. برادرم با او زندانی بود و زیاد با هم دیدار داشتیم. دکتر احمد صدحاج سید جوادی، یکی از قضات خوشنام رژیم گذشته بود که ابتدا به عنوان وزیر کشور منصوب شد و بعد از آن به وزارت دادگستری رفت. او متخصص و بزرگواری بود. یکی دیگر از وزرا؛ مرحوم داریوش فروهر بود که وقتی به قتل رسید، حجت الاسلام محمد جواد حجتی کرمانی در سر مقاله روزنامه اطلاعات نوشت: «مردی که پهلوان زیست و پهلوان مرد.»

وزیر خارجه کابینه، ابتدا دکتر سنجایی، استاد دانشکده حقوق بود. در زمان کوتاهی استعفا داد و مرحوم دکتر ابراهیم یزدی که چهره مذهبی داشت و بسیار متخصص و باهوش بود، جایگزین او شد. او در آمریکا موسس انجمن اسلامی و تنها نماینده غیر روحانی امام (ره)، حتی در گرفتن وجوهات بود و در آنجا دانشجویان ایرانی بسیاری را مورد حمایت قرار داد. کتیرایی وزیر مسکن، خانواده بسیار محترمی داشت و قبل از وزارت، کارشناس مسکن بود. در وزارت مسکن مشکلاتی وجود داشت. حجت الاسلام و المسلمین خسروشاهی که امام جماعت بود، مسئول مسکن انقلاب اسلامی شد. در مصاحبه ای تلویزیونی اعلام کرد: «ما به همه خانه و زمین می‌دهیم.» کتیرایی چندین بار با او صحبت کرد که این کار باعث می‌شود

آنها موفق به فرار شده بود. ساواک بعد از بازرسی منزل، من و پدرم را دستگیر کرد. در سال ۱۳۴۴ به سرپازی رفته و با همان لباس نظامی به زندان قصر می‌رفتم. من با برادرم از پشت میله‌های زندان صحبت می‌کردم. مرحوم بازرگان، برای دیدار با آشنایان خود می‌آمد؛ همیشه بین دو میله، پاسبانی نگهبانی می‌داد تا مراقب صحبت‌های ملاقات کنندگان باشد. آن پاسبان به پاس احترامی که نسبت به مهندس بازرگان داشت، او را به محل عمومی ملاقات کنندگان هدایت کرد و ایشان با همه ما دیدار و روبروسی کرد. این اولین دیدار من و مهندس بازرگان بود.

در آبان سال ۱۳۴۶ که مهندس بازرگان و آیت اله طالقانی، تحت فشار مجامع بین‌المللی آزاد شدند، به اتفاق مرحوم برادرم مهدی شاملو و یکی از دوستان مبارز و پیش کسوت، محمد جواد اسلامی که از دبیران سابقه آموزش و پرورش هستند به دیدار آنها رفتیم.

در سال ۱۳۴۹ حجت الاسلام مرحوم کنی، که در کن زندگی می‌کرد، اعضای نهضت را برای صرف ناهار به منزل خود دعوت کرد. و یک روز با مهندس بازرگان و اعضای برجسته نهضت آزادی در کن بودیم. نهضت در زمان شاه به شدت تحت کنترل ساواک بود و ارتباط با مهندس بازرگان مخاطرات بسیاری در پی داشت.

در سال ۱۳۵۲ در قم مشغول تدریس بودم و با طلبه‌ها و دانشجویان انس گرفتم، متوجه شدم تعدادی از طلاب کتاب‌های مهندس بازرگان را مطالعه می‌کنند، چرا که برای آنها جذاب بود. روزی به همراه یکی از طلبه‌ها که در قم کتاب فروشی داشت، برای گرفتن اجازه جهت انتشار دوباره کتاب به دفتر کار بازرگان در تهران رفتیم.

در سال ۱۳۵۷ مرحوم بازرگان و نهضت آزادی اولین گروهی بود که با استبداد شاه مقابله کرد. او بدون هیچ ترسی در اردیبهشت ۱۳۵۷ در مصاحبه‌ای بیان کرد: «این رژیم برای کشور تحمل ناپذیر شده است.» شاه با کشتار و سیاست نامطلوب و درست اداره نکردن کشور، باعث برانگیخته شدن مردم علیه خود شد. مرحوم بازرگان، اقدام به تشکیل جمعیت دفاع از آزادی و حقوق بشر کرد و در ۱۵ خرداد ۱۳۵۷ برای پیروزی انقلاب بیانیه‌ای صادر کرد. در شهریور ماه ۱۳۵۷ که رژیم پهلوی دارای قدرت بود، بازرگان برای اولین بار بسیار جوانمردی و حریت از خود نشان داده و اعلامیه ای بسیار پرمحتوا با عنوان «شاه باید برود» منتشر نمود.

– نقش مهندس بازرگان در جریان به وجود آمدن نحله روشنفکری دینی را چطور ارزیابی می‌کنید؟

ضمن اینکه ما برای همه افراد و گروه‌ها احترام خاصی قائل هستیم، و نمی‌خواهیم آنهایی که در مورد اسلام و دین کتاب نوشته‌اند، از صحنه خارج شوند ولی بیان و نوشتار آنها به صورتی بود که برای نسل تحصیلکرده جذابیتی نداشت. مرحوم بازرگان از سال ۱۳۲۶ انجمن اسلامی مهندسان را تاسیس و نوشتن کتاب را آغاز کرد. کتاب‌های متعددی نوشت که روشنفکران و مهندسان، غیر از حزب توده که افکارشان با دیگران مغایرت داشت، جذب کتاب‌های اسلامی او شدند. کتاب عشق و پرستش و راه طی شده که بسیار جذاب و عالی بودند، مورد استقبال بسیاری از جوانان و روشنفکران قرار گرفت.

او برای رشد دینی جوانان و جذب آنها به مسائل دینی نقش به‌سزایی داشت. برای روحانیت تلاش‌های بسیاری کرد زیرا روحانیون زبان جذب جوانان را به اسلام نمی‌دانستند. او تاثیر

او تاثیر بسیاری بر روشنفکری دینی داشت تا جوانان و مردم اسیر گروه‌های دیگر نشوند و مشکلی برای آنها پیش نیاید

مرحوم آیت اله بروجردی
که یکی از بزرگترین
مراجع روحانیت بود
عقیده داشت
روحانیت نباید
در مسائل سیاسی
درگیر شوند.

همه به تهران بیایند و مشکلات عدیده ای ایجاد شود. او بسیار متدین ولی ساده بود و هیچ تجربه‌ای در این کار نداشت. مردم به تهران آمدند و شهر تهران با مشکلات عدیده ای مواجه شد. حسین شاه حسینی، رئیس سازمان تربیت بدنی دولت موقت- انسانی بسیار شریف و مبارز که عضو جبهه ملی در زمان دکتر مصدق و از ورزشکاران قدیمی بود. مرحوم محمد دل آگاه، که ورزشکار بود و از بستگان ما محسوب می شد، از دوستان ایشان بود که از تدین و جوانمردی شاه حسینی بسیار یاد می کرد و به عنوان پیشکسوت مورد قبول همه بود.

کابینه بازرگان همه کار آمد، متخصص، با شخصیت و متدین بودند ولی متاسفانه افرادی که می خواستند دولت بازرگان را از میان بردارند، مشکلاتی برای آنها به وجود می آوردند و برای کابینه اش بحران ایجاد می کردند. اشغال سفارت آمریکا بدون اجازه امام (ره) صورت گرفت. عملی خلاف عرف دیپلماتیک و کنفوانسیون وین انجام شد و حدود ۴۰ سال است که برای مردم مشکل ایجاد کرده است و هزینه آن را اکنون ملت ایران می دهند. مخالفان و منتقدان و افرادی که می خواستند قدرت را در دست بگیرند موفق شدند که بازرگان مجبور به استعفا شد. تعداد اندکی از وزرایی که در مجلس اول حضور داشتند، به شدت مورد بی مهری قرار گرفتند.

زمانی که بازرگان در مجلس در حال سخنرانی بود، حجت الاسلام خلخالی، تربیون را از مقابل او برداشت و قصد حمله به او را نمود، او عده ای دیگر از نمایندگان به کمک آقای خلخالی آمدند، معین فر واسطه شد و البته سر او در این ماجرا شکسته شد. در ویدئویی که توسط دوربین ها ضبط شده است، رئیس وقت مجلس که می بایست به ضاربان تذکر می داد، به این صحنه ها می خندید. یکی از نمایندگان مجلس، نقل قول می کرد؛ «رئیس مجلس در نماز جمعه، ماجرای مجلس را کاملا به نفع ضاربان بیان کرد.

مرحوم سید هادی خسروشاهی؛ مولف و محقق که کتاب های بسیاری نوشته است. بعد از انقلاب نیز مسئول دفتر حفاظت از منافع ایران در مصر و سفیر ایران در واتیکان شد. نقل می کرد: «اوایل انقلاب در مجلس کاری داشتیم. در بین راه مرحوم بازرگان را دیدم، خواستیم وارد مجلس شویم که پاسداری گفت: «مرگ بر بازرگان.» من به شدت واکنش نشان دادم و گفتم: «او برای مملکت بسیار زحمت کشیده و استاد دانشگاه است و زندان رفته است.» ایشان به عنوان محقق در شهر قم زندگی می کرد، در اسفند ماه سال ۹۸ بر اثر ویروس کرونا درگذشت. این حادثه برای من بسیار دردناک بود.

به هر حال مکانیزی ایجاد کردند که به کلی مرحوم بازرگان و دوستانش که سال ها پیش از انقلاب در زندان بودند، کاملا از صحنه سیاست خارج و کنار گذاشته شدند.

در اوایل انقلاب مرحوم بازرگان، در خیابان شهید مطهری، دفتری به نهضت آزادی اختصاص داده بود و هفته ای یکبار سخنرانی می کرد. چندین بار توسط افراد به ظاهر مذهبی اما در واقع غیر اسلامی و انسانی، مورد بی احترامی و هتک حرمت قرار گرفت. کسانی را که برای استماع شرکت می کردند و بیشتر افراد تحصیل کرده بودند، تهدید می شدند تا از شرکت در جلسه خودداری کنند. افراد خیره و دوستان زندانی قبل از انقلاب معتقدند؛ مرحوم بازرگان و نهضت آزادی با توجه به شخصیت، وجاهت، تدین و تخصصی که داشتند، زمینه انقلاب را فراهم و موجب تشکیل انقلاب اسلامی شدند. زمانی که امام (ره) در پاریس بودند، خبرنگاران از تمام کشورها به آنجا آمده بودند، صدها مصاحبه مطبوعاتی توسط مرحوم دکتر ابراهیم یزدی، که در مسائل اسلامی و سیاسی متخصص

و فردی با درایت، باهوش و مورد اعتماد امام (ره) بود، به سوالات خبرنگاران پاسخ داده می شد و بدین صورت کل جهان، امام (ره) را شناختند. ولی در ایران افرادی بودند که نمی توانستند مرحوم بازرگان را تحمل کنند زیرا آنها قدرت داشتند و حتی ملیس به لباس روحانیت بودند و با کم لطفی، موجب استعفا ی مرحوم بازرگان شدند.

به نظر شما مهندس بازرگان، بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد سال ۳۲ و پیروزی انقلاب اسلامی و پایان دولت موقت، چه تاثیری از خود بر جای گذاشت؟

مرحوم بازرگان، در دانشکده فنی تدریس می کرد ومدتی رئیس آنجا بود. به دلیل معلومات و تخصص هایش، مورد احترام دانشجویان و اساتید قرار داشت. بعد از کوتای ۲۸ مرداد، ۱۲ نفر از استادان نامه ای نوشتند که باعث شد، آنها از دانشگاه اخراج شوند. آن زمان رئیس دانشگاه، زنده یاد دکتر علی اکبر سیاسی که فردی قابل احترام بود، از اخراج این افراد جلوگیری کرد. مرحوم بازرگان، سال ها در دانشکده فنی، استادی با سواد، با معلومات و متخصص بود که در مسائل اسلامی نیز تبحر داشت و دانشجویان جوان را درک می کرد. او آثار بسیاری از خود بر جای گذاشت و از نظر علمی و ایدئولوژی و مذهبی تاثیر زیادی بر دانشجویان داشت.

در سال ۱۳۴۲ مرحوم بازرگان، سحابی، آیت اله طالقانی و تعدادی از افرادی که در نهضت آزادی بودند، دستگیر شدند. در دادگاه، بازرگان با اینکه وکیل داشت با آرامش بسیاری از خود دفاع کرد. در صحبت هایش شاه را نصیحت می کرد.

بعد از ۲۸ مرداد در ایران اختناق زیادی ایجاد شده بود که دفاعیات مرحوم بازرگان، تاثیر بسیاری بر جامعه، به خصوص در دانشگاه ها به جای گذاشت.

چندین بار توسط افراد

به ظاهر مذهبی

اما در واقع غیر اسلامی

و انسانی

مورد بی احترامی

و هتک حرمت

قرار گرفت

- ویژگی منحصر به فرد مهندس بازرگان از دید شما چیست؟

مرحوم بازرگان ویژگی های قابل توجهی داشت. استادی متخصص و باسواد در مسائل اسلامی بود که با زبان دانشجویان آشنایی بسیاری داشت. در دانشگاه؛ روی مسائل مختلف تاثیر زیادی گذاشته بود. ویژگی منحصر به فرد او که زبانزد خاص و عام بود، صداقت، صفا و وفای او بود.

- تعبد و تدین مهندس بازرگان از نظر شما چگونه بود؟

بازرگان در سال های بعد از ۱۳۲۵ در دانشکده فنی تدریس می کرد و زمانی ریاست دانشکده فنی را برعهده داشت. او بسیار مورد توجه و علاقه جوانان بود. من مدت زمان زیادی در کنار او نبودم. بعد از انقلاب دفتر کار او که در خیابان مطهری بود، بسته شد و جلسات درباره مسائل مذهبی، اجتماعی و سیاسی بود و من در آنها شرکت می کردم. برادرم از سال ۱۳۴۰ دانشجوی دانشکده حقوق بود و نسبت به آیت اله طالقانی، بازرگان و سحابی ارادت ویژه ای داشت. او دستگیر و در دادگاه نظامی به دو سال زندان محکوم شد.

در سال ۱۳۴۴ به دلیل اعتصاب غذا به شهر بد آب و هوای برازجان تبعید شد. آنجا به مدت هفت ماه در کنار مرحوم بازرگان بود. برادرم به صورت مستمر، از پاکی و صداقت بازرگان صحبت می کرد و می گفت: «هیچگاه از مرحوم بازرگان دروغی شنیده است.»

- رابطه مهندس بازرگان با مراجع و علمای حوزه علمیه

قم چگونه بود؟

بسیار زود وارد مسائل سیاسی شدم و برادرم مهدی شاملو، باعث این امر بود. در تابستان ۱۳۳۹، ۱۶ سال داشتم که با ارشاد و نامه های آن مرحوم، وارد مسائل سیاسی شدم. آن زمان انتخابات مجلس شورای ملی در حال انجام بود. جبهه ملی دوم نیز تاسیس شده بود. شنیده بودم رئیس جمهور آمریکا علاقه مند به مسائل سیاسی جهان سوم است در همین راستا رایحه ای از سخنان او در ایران استشمام می شد. شاه می خواست تظاهر کند که در ایران نیز آزادی بیان وجود دارد. در سال ۱۳۳۹ فضای باز سیاسی مختصری در ایران به وجود آمد و اعضای جبهه ملی و حزب زحمتکشان فعالیت خود را آغاز کردند.

برادرم از تهران اعلامیه های جبهه ملی و حزب زحمتکشان و اعلامیه های کوچکی از علی امینی که نوشته بود؛ «اینجانب برنامه های خود را اعلام می دارم» و فعالیت هایش برای سمت نخست وزیری بود، به همراه داشت. در سال هایی که برای شنیدن سخنرانی علما می رفتم، سخنی از مسائل سیاسی نبود و مراجع بزرگوار اصلا وارد مسائل سیاسی نمی شدند. مرحوم آیت اله بروجردی که یکی از بزرگ ترین مراجع روحانیت بود، عقیده داشت؛ «روحانیت نباید در مسائل سیاسی درگیر شوند». مرحوم بازرگان با آیت اله سید رضا زنجانی و برادرش آیت اله سید ابوالفضل زنجانی، که وارد مسائل سیاسی شده بودند، ارتباط داشت. او در قم با آیت اله عظمی شریعتمداری و آیت اله آقا مرتضی حائری؛- فرزند موسس حوزه علمیه قم- مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری که فردی متدین و متعبد بود ارتباط داشت.

- شما چگونه با آثار و کتاب های مهندس بازرگان آشنا شدید؟

سال های ۱۳۴۳ - ۱۳۴۴ بود که برادرم کتاب های مرحوم بازرگان را برایم می آورد و من با آن کتاب ها آشنا شدم. کتاب های جذابی چون عشق و پرستش و راه طی شده و چند کتاب دیگر که اسلام را از دید علمی و زیبا به طبقه روشنفکر و جوان معرفی می کرد.

- از نظر شما سمت و سوی کدام دولت، به روش مهندس بازرگان نزدیک تر بود؟

به نظرم، آرمان های دولت اصلاحات و ریاست جمهوری سید محمد خاتمی، به دولت بازرگان نزدیک تر بود.

- مشی قانون گرایی مرحوم بازرگان، کماکان نیاز روز ایران است ولی امروز با اختلاس های میلیاردی که صورت گرفته، دولت بیش از پیش دچار مشکل شده است. به نظر شما اگر امروز مرحوم بازرگان زنده بود، چه موضوعی را اولویت قرار می داد؟

او برای قانون احترام زیادی قائل بود. شیوه اش، قانون گرایی بود. کابینه مرحوم بازرگان، پاک ترین دولتی بود که بعد از انقلاب تشکیل شد. هنگامی که نخست وزیر بود و در غذاخوری نخست وزیری غذا می خورد، پول آن را آخر ماه به خزانه دولت واریز می کرد، در صورتی که غذا رایگان بود. در زمان او، حتی مدیران ارشد و مدیران میانه ای دولت موقت نیز، به حفظ بیت المال دقت فراوان داشتند.

بنده زمانی که سرکنسول در شهر ترابوزان ترکیه بودم، هزینه های تلفن شخصی خود را جزو اسناد مالی وزارت خارجه قرار نمی دادم و خودم پرداخت می کردم، که البته امروز در برخی سفارتخانه ها و کنسولگری ها، خلاف آن رخ می دهد.

این روزها شاهد اختلاس های بسیاری هستیم و مدیران وزارتخانه ها را می بینیم که اتومبیل اداره را برای استفاده شخصی در اختیار خانواده خود قرار می دهند .

- به نظر شما اگر بعد از ۴۰ سال، مرحوم بازرگان در قید حیات بود، در مورد وضعیت کنونی کشور چه نظری داشت و اگر می خواستند براساس آخرین دستاوردهای فکری خود یعنی هدف بعثت انبیای خدا و آخرت عمل کنند، چه اقداماتی را در دستور کار خود قرار می دادند ؟

اظهار نظر در این مورد بسیار سخت است. او در مصاحبه ها و اعلامیه هایی که بعد از انقلاب داشت، به آزادی جامعه اشاره می کرد و به آن اعتقاد داشت. اگر افراد جامعه، بدون غرض و جبهه گیری، دولت را نقد کنند، دولت و جامعه از جنبه های سیاسی و اجتماعی پیشرفت خواهند کرد.

- به نظر شما اندیشه، تفکر و منش مهندس بازرگان چه ویژگی هایی داشت که دیگر در دولتمردان دولت های بعد از ایشان تکرار نشد ؟

انگیزه و اندیشه مرحوم بازرگان همانند برخی مدیران و روحانیون نبود که مردم را عوام می دانند و آنان را ابزاری برای به دست آوردن منافع، کنار خود نگه می دارند. مرحوم بازرگان مانند پیامبر (ص) و حضرت علی (ع)، برای مردم ارزش قائل بود و آنان را با اصالت می دانست. دنبال قدرت نبود و به مردم به چشم یک ابزار نگاه نمی کرد. قبل و بعد از انقلاب، همیشه حق را می گفت و برای رشد و عظمت جامعه، بدون هیچ ترس و محافظه کاری در مجلس، سخنرانی می کرد.

مکانیزمی ایجاد کردند

که مرحوم بازرگان

و دوستانش

که سال ها پیش از انقلاب

در زندان بودند

کاملا از صحنه

سیاست خارج

و کنار گذاشته شدند

- به نظر شما تفکر سیاسی مهندس بازرگان، متاثر از باورهای دینی اش بود یا سعی می کرد بر مبنای رویکرد سیاسی مدرن خودش، قرائت تازه ای از دین داشته باشد؟

به طور قطع، رفتارهای سیاسی او براساس باورهای دینی اش بود. انسان بسیار شریف، پرهیزگار و متدینی بود و هیچ گاه باورهای دینی خود را فدای سیاست و مصلحت اندیشی نکرد. از نظر من، مرحوم بازرگان بر این آیه قرآن که می فرماید «یا نمی دانید که خدا تو را می بیند.» نه تنها اعتقاد، بلکه باور داشت، زیرا باور از اعتقاد بالاتر است. بازرگان در ایران، پدر جریان روشنفکری دینی است. بازرگان هم می خواست مسلمان باشد و به فرهنگ و تاریخ دینی تعلق داشته باشد و هم اینکه آزادی، عدالت، ملیت و دیگر رهیافت های دنیای مدرن را دنبال کند. بازرگان می خواست میان علم و دین «که آن زمان مورد توجه تحصیل کرده ها و دانشجویان نبود»، سازش و مصالحه ایجاد کند.

- ما داشته های انسانی مانند حقوق بشر و آزادی از طرفی هم آموزه های حیاتی داریم که گاهی این دو در تناقض با یکدیگر قرار می گیرند. مرحوم بازرگان چطور جمع این ها را باهم قبول داشته است. و جمعیت ایرانی، - مدافعان حقوق بشر- را پایه گذاری کرد و از اولین روشنفکران دینی بود که به حجیت حقوق بشر اعتقاد داشت، اما در عین حال عقاید دینی خود را هم داشته است چطور دچار تناقض نشده است ؟

همه موارد اعلامیه حقوق بشر را در ذهن ندارم که آیا مطلبی

کابینه

مرحوم بازرگان،

پاک ترین دولتی بود

که بعد از انقلاب

تشکیل شد.



اگر مرحوم بازرگان
در مسند قدرت می ماند،
بسیاری از مشکلات
به وجود نمی آمد.
جنگ شاید به وجود نمی آمد
و بعد به آن زمان طولانی
نمی انجامید

انقلاب فرهنگی بود، هر وقت تماس می گرفتم حتی زمانی که جلسه داشت؛ جواب تماس من را می داد و می گفت: تماس می گیرم، تعدادی دیگر ظرفیت نداشتند و وقتی به قدرت رسیدند، ارتباطشان را با من قطع کردند.

مرحوم بازرگان کسی بود که باعث شکل و تبلور گرفتن انقلاب اسلامی ما شد. اگر مرحوم بازرگان در مسند قدرت می ماند، بسیاری از مشکلات به وجود نمی آمد. جنگ شاید به وجود نمی آمد و بعد به آن زمان طولانی نمی انجامید. او از دیدی وسیع و سرشار از منافع ملی برخوردار بود.

چرا و چگونه رابطه امام (ره) با مهندس بازرگان به سrdی گرایید؟

او از صراحت در گفتار برخوردار بود و مطالب را بدون محافظه کاری مطرح می کرد. امام خمینی (ره)، برای او احترام خاصی قائل بود و به بازرگان که متدین، مدیر و مدبر بود، علاقه بسیار داشت. در اطراف امام (ره)، افراد قدرت طلبی وجود داشتند که بعد از استعفای دولت موقت، قدرت را به دست گرفتند و مرحوم بازرگان وهم فکراش را از قطار انقلاب پیاده نمودند و موافق ارتباط امام (ره) با مهندس بازرگان نبودند.

بازرگان بر این عقیده بود که بعد از فتح خرمشهر، جنگ تمام شود، چرا که عراق ضعیف بود و کشور ما قدرت داشت. افرادی، امام (ره)، را متقاعد کردند که جنگ را ادامه دهد، به امام (ره)، گفتند: «اگر یک حرکت سریع داشته باشیم، بصره را تصاحب خواهیم کرد.»

در سال ۱۳۶۵ به دستور صدام، برخی از شهرهای ایران بمباران شد. در شهر نهاوند دبیرستان دخترانه ای بود که کشته های زیادی داد. جلسات متعددی در وزارت امور خارجه برگزار می شد و به دکتر جواد منصوری - معاون فرهنگی و کنسولی وزارت امور خارجه - گزارشات هر هفته ادارات خود را ارائه می دادیم. در یکی از جلسات به ایشان عرض کردم؛ حادثه بمباران نهاوند، فاجعه است، اگر توان مقابله نداریم باید آتش بس را قبول کنیم. آن زمان، گریه کردم و همه ناراحت شدند. حتی بعد از آن جریان مرحوم بازرگان، دکتر سبحانی و دکتر یزدی به دفتر امام (ره)، رفتند ولی نتوانستند با ایشان ملاقات کنند و فکر می کنم نگذاشتند اینها با امام ملاقات کنند. در آخر دکتر سبحانی، مرحوم بازرگان و دکتر یزدی، مجبور شدند به صورت علنی بیانیه داده و خواستار آتش بس شوند که این آتش بس در سال ۱۳۶۷ با تاخیر و خسارات زیادی که به کشور وارد شد، انجام گرفت.

متناقض با اسلام داریم یا خیر. بعضی از قرائت های دینی، رشد و تکامل یافته و برخی از آنها، سنتی و متحجرانه است. بازرگان انسانی نبود که باورها و اعتقاداتش را فدای سیاست و قدرت کند. همانطور که می دانید مطالب زیاد دینی در مورد حقوق بشر وجود دارد و او به این مطالب پایبند بود و اعتقاد داشت. او به این تناقض ها معتقد نبود.

به نظر شما مشکل روحانیون، در بعد از انقلاب با مهندس بازرگان چه بود؟

پاسخ دادن به این سوال بسیار سخت است. چند سالی در قم زندگی می کردم. بیشترین دوستانم از روحانیون و اکنون تعدادی از آنها جزو مراجع هستند. آیت اله مکارم، آیت اله گرامی، آیت اله صالحی نجف آبادی و دوست اندیشمندم، حجت الاسلام والمسلمین سید محمد خاتمی، رئیس جمهور سابق - که افتخار همسایگی ایشان در قم را داشتم. آیت اله دکتر مصطفی محقق داماد و چندین بار آیت اله عظمی مرعشی نجفی را ملاقات کردم و دیدار کوتاهی با آیت اله عظمی شریعتمداری داشتم. همچنین صادق لاریجانی، قاضی القضاة سابق - و برادرش دکتر باقر لاریجانی از شاگردان بنده در دبیرستان حکیم نظامی قم بودند. (پدرشان مرحوم آیت اله هاشم لاریجانی، بسیار متواضع، شوخ طبع و باسواد بود.) با مرحوم دکتر احمد احمدی که در دبیرستان حکیم نظامی تدریس می کرد و بسیار باسواد، فیلسوف و موحد بود، ارتباط بسیار نزدیکی داشتیم و از وجودش بسیار استفاده کردم که متأسفانه دو سال پیش فوت شدند. در مدرسه شبانه حکیم نظامی، شاگردانی داشتم که درس جدید می خواندند مانند: دکتر علوی - وزیر فعلی اطلاعات -، قادری، - سفیر سابق ایران در تونس - و امینیان، - سفیر سابق ایران در یمن و امارات متحده عربی - بود. و طلبه های مبارزی که مدت ها از سوی کمیته ضد خرابکاری دستگیر می شدند و باعث افتخار بنده بود که چنین دوستانی داشتم.

مرحوم شریعتی گفته زیبایی درباره قضاوت اشخاص دارد؛ «عملکرد انسان ها را باید در موضع قدرت سنجید.» زمانی که ما در قم بودیم، با روحانیون رفت و آمد زیادی داشتیم. منزل ما محل گفت و گوهای شبانه بود. آن زمان در جایگاه قدرت نبودند. وقتی انقلاب شد، با تعدادی از آنها که عطف و جوانمردی داشتند؛ همچنان ارتباط نزدیک و تنگاتنگی داریم مانند: آقای خاتمی که زمان ریاست جمهوری و زمانی که وزیر ارشاد بود، هرگز از زندگی طلبگی خود خارج نشد و هنوز هم با هم ارتباط داریم. مرحوم دکتر احمد احمدی که در ستاد